



A Deconstructive (Derridean) and Postcolonial Reading of *Jane Eyre* through the Lens of Gayatri Chakravorty Spivak

Naeimeh Karimlou^{1*} Sahar Vafaie Tajkhatooni¹

1. Babolsar, University of Mazandaran, Iran
2. l'Université Western Ontario, Canada

DOI: [10.22080/RJLS.2024.27111.1474](https://doi.org/10.22080/RJLS.2024.27111.1474)

Abstract

This paper examines the views of renowned postcolonial theorist Gayatri Chakravorty Spivak. She revisits and critiques Western concepts and theories that have emerged in the postcolonial world. In line with Homi Bhabha and Edward Said—both notable figures in colonial criticism—Spivak, through a Derridean deconstructive approach, critiques contemporary political, social, and cultural theories. Her engagement with Derrida is not merely philosophical but is intended to uncover the logic behind European colonial justification. This paper first outlines her theoretical framework and then applies her ideas to a deconstructive reading of one of the most famous imperialist texts of nineteenth-century England—Charlotte Brontë's *Jane Eyre*—as well as its postcolonial counterpart, Jean Rhys's *Wide Sargasso Sea*. We will explore how Spivak merges Derridean deconstruction with postcolonial literary criticism and how authors like Rhys portray the concepts of “self” and “other.” This paper also highlights the importance of postcolonial critique in challenging imperial narratives and illuminating postcolonial resistance, demonstrating Spivak's role as a powerful tool for understanding and critiquing colonial discourse.

Keywords: Spivak, postcolonialism, *Jane Eyre*, *Wide Sargasso Sea*, the Other, deconstruction.

Introduction

Spivak is one of the most influential contemporary critics. Like her contemporaries Edward Said and Homi Bhabha, she challenges academic critical traditions and focuses her studies on cultural texts to highlight the roles of migrants, laborers, women, and those colonized—voices often silenced by dominant Western culture. Although her dense prose can be difficult to understand initially, any serious student of contemporary cultural theory should engage with her ideas.

She gained her reputation through politically charged applications of cultural and critical theory, especially in confronting colonialism in literature and culture. By amplifying the voices of marginalized groups, she forcefully critiques dominant worldviews—particularly notions that the West is more civilized, advanced, or democratic than the non-West, or that colonized regions have improved due to colonialism. For Spivak, the impact of European colonialism was not erased by post-independence movements of the mid-twentieth century. She sees herself as a postcolonial intellectual torn between nationalist movements in India and the legitimacy of colonial educational structures—embodying that duality. In essence, she considers herself a freedom-seeking theorist who must articulate her ideals using a language inherited from colonialism.

* Assistant Professor, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran. Corresponding author: n.karimlou@umz.ac.ir





Research Questions and Methodology

This research adopts a descriptive-analytical method. Exploration of Spivak's theories is followed by a deconstructive and analytical reading of the nineteenth-century imperialist English novel *Jane Eyre* by Charlotte Brontë and its postcolonial reworking, *Wide Sargasso Sea* by Jean Rhys. This research addresses questions such as: To what extent has Spivak contributed to the recognition of Derrida's deconstruction? How has she used this philosophy to question contemporary political, social, and cultural theories? What is the impact of Spivak's literary criticism on readings of colonial texts? How can Spivak's theories be applied in a deconstructive literary analysis?

Findings and Conclusion

This paper introduced postcolonial theorist Gayatri Chakravorty Spivak and discussed her reading of Derrida's deconstruction—not to portray her merely as a reader of Derrida, but to emphasize how she translated, interpreted, and publicized his thought in English. Spivak played a vital role in presenting Derrida's ideas to English-speaking audiences. However, the central point was to explore how she adapts Derrida's Western-rooted deconstruction to analyze postcolonial literary texts, especially from the Global South. Spivak's literary criticism significantly influences how imperialist texts are read. She believes twentieth-century literature is intertwined with imperialist ideology, presenting England as civilized and advanced to justify imperialist political and economic goals. Her theories were then applied to a deconstructive reading of *Jane Eyre* and its postcolonial counterpart *Wide Sargasso Sea*. Spivak argues that Bertha Mason in *Jane Eyre* is the product of overt imperialism, and Brontë portrays her as a Jamaican savage. Rhys rewrites this narrative, exposing its colonial ideology and portraying Bertha as a woman driven to violence by her oppressive husband.

Rhys uses multiple perspectives to emphasize the contrast between "self" and "other," most evident in *Jane Eyre*. In colonial-era novels, colonizers depict themselves as civilized humans—the "self"—while native peoples are the savage "other." Colonized nations use literature as a site of resistance, rewriting Western texts. Through examples such as Mr. Rochester's view of the Black or colonized "other" in *Wide Sargasso Sea*, we see how racial classification leads to psychological damage, evident in postcolonial contexts.

Spivak's critique goes beyond Victorian literature and imperialism; because she leverages the rhetorical and political force of postcolonial texts to challenge dominant colonial narratives, her name remains closely tied to postcolonial critique.

خوانش و اسازانه (دریدایی) و پسااستعماری اسپوواک از رمان امپریالیستی جین ایر

نعیمه کریملو^۱

سحر وفایی تاج خاتونی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۵

DOI: [10.22080/RJLS.2024.27111.1474](https://doi.org/10.22080/RJLS.2024.27111.1474)

چکیده

در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های نظریه پرداز استعماری معروف، گایاتری چاکراورتی اسپوواک می‌پردازیم. او به بازپرداخت و بازنگری مفاهیم و نظریه‌های غربی می‌پردازد که در دنیای پسااستعماری شکل گرفته‌اند و در راستای هومی بابا و ادوارد سعید که در حوزه نقد استعماری از صاحب‌نظران بنام به شمار می‌روند، با نگاهی وام‌دار از فلسفه‌ی و اسازایی دریدا به انتقاد از تئوریهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز می‌پردازد. توجهی که او به دریدا مبذول می‌دارد، تنها از نقطه‌نظری فلسفی نیست، بلکه با هدف واکاوی تفکر غربی است که به دنبال توجیه استعمارگری اروپایی بوده است. در این مقاله ابتدا چارچوب نظری این متفکر پسااستعماری را بیان کرده و سپس با استفاده از نظریات او به خوانش و اسازانه و تحلیل یکی از متون امپریالیستی مشهور قرن نوزده انگلستان به نام جین ایر اثر شارلوت برونته و نسخه‌ی پسااستعماری آن، دریای پهناور سارگاسو اثر جین ریس می‌پردازیم. خواهیم دید که اسپوواک برای نقد مفاهیم امپریالیستی چگونه تفکر و اسازانه‌ی دریدا را با نقد ادبی پسااستعماری در هم می‌آمیزد و نویسنده‌ای چون ریس چگونه در قالب رمان خود مفاهیم «خود» و «دیگری» را به تصویر می‌کشد. همچنین در این مقاله به اهمیت نقد پسااستعماری در به چالش کشیدن روایت‌های استعماری و برجسته‌سازی مقاومت‌های پسااستعماری پی خواهیم برد و نقش نقد اسپوواک را به عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم و نقد روایت‌های استعماری بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: اسپوواک، پسا استعمار، جین ایر، دریای پهناور سارگاسو، دیگری، و اسازایی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسندهٔ مسؤول). رایانامه:

n.Karimlou@umz.ac.ir

۲. دکتری تخصصی ادبیات فرانسه، دستیار آموزشی مطالعات فرانسه، دانشگاه وسترن انتاریو، کانادا. رایانامه:

Svafaiet@uwo.ca

۱- مقدمه

گایاتری چاکراورتی اسپیواک^۳ در ۲۴ فوریه سال ۱۹۴۲، پنج سال پیش از رهایی هند از حکومت استعماری بریتانیا، متولد شد. او در سال ۱۹۵۹ با دریافت رتبه‌ی ممتاز در رشته زبان انگلیسی از کالج کلکته فارغ‌التحصیل شد و نیز موفق به کسب دو مدال طلا در رشته‌ی ادبیات انگلیسی و بنگالی گشت. او تحصیلات ارشد آکادمیک خود را در دانشگاه کورنل آمریکا پشت سر گذاشت و رساله‌ی دکترای خود را با تحقیق بر روی شاعر ایرلندی ویلیام باتلر ییتز^۴ زیر نظر منتقد ادبی معروف پل دومان^۵ به ثمر رساند. اسپواک که سخت تحت‌تأثیر نظریه‌ی واسازی^۶ و ساختارشکن دریدا بود، اقدام به ترجمه‌ی کتاب *درباره‌ی گراماتولوژی*^۷ از دریدا و افزودن مقدمه‌ای با قلم خود به آن نمود. در واقع، اسپواک نظریه‌ی واسازی دریدا را یک ابزار سیاسی و نظری قوی می‌داند که شایسته‌ی مطالعه و بررسی است.

رمان *جین/یر* نوشته‌ی شارولوت برونته (۱۸۴۷) یکی از آثار کلاسیک ادبیات انگلیسی قرن نوزدهم، همواره مورد توجه منتقدان و پژوهشگران ادبی بوده است. این اثر، به عنوان یک روایت عاشقانه و اجتماعی، در بستر فرهنگی و تاریخی عصر ویکتوریا جایگاه ویژه‌ای دارد. با این حال، خوانش‌های نوین از این اثر نشان می‌دهد که *جین/یر* فراتر از یک داستان ساده‌ی عاشقانه است و لایه‌های پیچیده‌ای از مفاهیم قدرت و امپریالیسم را در خود نهفته دارد. بررسی استعماری رمان *جین/یر* با تکیه بر نظریات اسپواک می‌تواند جنبه‌های نادیده‌گرفته‌شده‌ای از تأثیرات استعمار و روابط قدرت درون داستان را روشن کند.

اولین رویکرد مهم این پژوهش، ارائه‌ی تحلیلی دقیق از چگونگی وام‌گیری اسپواک از فلسفه‌ی واسازی دریدا در بررسی متون پسااستعماری است. این پژوهش نشان می‌دهد که اسپواک چگونه توانسته است تفکر واسازانه‌ی دریدا را با نقد ادبی پسااستعماری در هم آمیزد و به تحلیل مفاهیم پیچیده‌ی استعمار و امپریالیسم در ادبیات پردازد.

دومین رویکرد این مقاله، نقد و تحلیل دقیق رمان *جین/یر* و نسخه‌ی پسااستعماری آن، *دریای پهناور سارگاسو* است. این مقاله با استفاده از چارچوب نظری اسپواک، به بررسی و تحلیل شخصیت‌های این دو اثر می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه شخصیت‌های این رمان‌ها بازتاب‌دهنده‌ی مفاهیم استعماری و امپریالیستی هستند. پژوهش نشان داده است که اسپواک با توجه به ایدئولوژی‌های پنهان در این متون، به

³ Gayatri Chakravorty Spivak

⁴ William Butler Yeats

⁵ Paul de Man

⁶ Deconstruction

⁷ *Of Grammatology*

خواننده کمک می‌کند تا مفاهیم «خود» و «دیگری» را در زمینه‌ی استعمار و تأثیرات آن بر ادبیات بهتر درک کند.

این مقاله همچنین نقش اسپوواک در برجسته کردن تأثیرات قدرت سیاسی و اجتماعی در متون ادبی را مورد بررسی قرار داده و به اهمیت نقد پسااستعماری در به چالش کشیدن روایت‌های استعماری و برجسته‌سازی مقاومت‌های پسااستعماری پرداخته است. بدین ترتیب، این پژوهش نشان می‌دهد که نقد اسپوواک فقط به ادبیات قرن نوزدهم محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری قدرتمند برای فهم و نقد روایت‌های استعماری در دوران معاصر نیز ارائه می‌دهد.

۱-۱- بیان مسأله

شاید بتوان اسپوواک را یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان نقد معاصر به شمار آورد. او در راستای هم‌عصران خود، چون ادوارد سعید^۸ و هومی بابا^۹ رسوم نقد و فلسفه‌ی آکادمیک را به چالش کشیده و بیشتر مطالعات خود را در متون فرهنگی بر روی نقش کسانی مانند مهاجران، کارگران، زنان و افرادی که تحت استعمار قرار گرفته‌اند، متمرکز می‌کند که اغلب توسط فرهنگ مسلط غربی به حاشیه رانده شده‌اند و صدایشان در نطفه خاموش گشته است. هرچند که آثار غنی او در این عرصه به دلیل سبک دشوار نوشتارش در وهله‌ی اول به آسانی قابل درک نیستند، ولی هر کسی که به نظریه‌ی فرهنگی معاصر علاقمند است، می‌بایست مروری بر نظریات اسپوواک داشته باشد.

این نظریه‌پرداز شهرت خود را به دلیل استفاده‌ی سیاسی از تئوریهای فرهنگی و انتقادی و همچنین به چالش کشیدن استعمارگرایی در فرهنگ و ادبیات به دست آورده است. اسپوواک با فریاد کردن صدای این گروه‌های کوچک انگاشته شده، بسیاری از نظرها و دیدگاه‌های مسلط بر جهان امروز را زیر سؤال برده و به شدت نقد می‌کند. مفاهیمی مانند اینکه دنیای غرب متمدن‌تر، پیشرفته‌تر و مردمی‌تر از دنیای غیرغربی است و یا اینکه در حال حاضر مناطقی که تحت تأثیر استعمار بوده‌اند، بسیار مدرن‌تر و پیشرفته‌تر از دوران قبل از استعمار خود شده‌اند. در واقع برای اسپوواک، تأثیر استعمار اروپایی با نیل به استقلال ملی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم از بین نرفته است. او خود را متفکری پسااستعماری می‌داند که میان آرمان‌های اجتماعی، جنبش‌های استقلال‌طلبانه در هند و مشروعیت یک نظام آموزشی استعماری درگیر است، و خود را نماد بارز این دوگانگی می‌بیند. به بیان دیگر، او خود را متفکری آزادی‌خواه و نظریه‌پرداز می‌داند که مجبور است آرمان‌های اجتماعی‌اش را با زبانی بیان کند که از استعمار به ارث برده است.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

^۸ Edward Saeid

^۹ Homi Bhabha

از جمله سوالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که اسپوآک تا چه اندازه به شناخته شدن فلسفه‌ی واسازی دریدا کمک کرده است و چگونه با اقتباس از این فلسفه، تئوری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود را زیر سوال می‌برد؟ نقد ادبی اسپوآک چه تاثیری بر خوانش متون ادبی مربوط به استعمار گرایی داشته است؟ چگونه می‌توان از نظریات اسپوآک برای خوانش و اسازانه‌ی یک اثر ادبی استفاده نمود؟

۱-۳- روش پژوهش

این پژوهش به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا نظریات اسپوآک مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با بهره‌گیری از این نظریات، خوانشی و اسازانه و تحلیلی از یکی از متون برجسته‌ی امپریالیستی قرن نوزدهم انگلستان، یعنی جین/یر اثر شارلوت برونته، و نسخه‌ی پسااستعماری آن، دریای پهناور سارگاسو نوشته‌ی جین ریس، ارائه می‌شود.

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

هاشمی و شهبازی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «خوانش و اسازانه‌ی دریدا در نمایشنامه‌ی مردی که حرف می‌زند از محمد چرمشیر» نظریه‌ی واسازی دریدا را در حیطه‌ی ادبیات نمایشی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهشی که نشان می‌دهد محمد چرمشیر، چگونه با خوانش و اسازانه از متون مورد اقتباس یعنی اثر ویلیام شکسپیر، نمایشنامه‌های خود را خلق نموده است. اسپرهم و نصیری (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد آثار صادق چوبک بر اساس نظریه‌ی ساختارشکنی ژاک دریدا با تکیه بر تنگسیر و سنگ صبور» که در فصلنامه‌ی مطالعات داستانی به چاپ رسیده است، کوشیده‌اند تا دو اثر صادق چوبک، تنگسیر و سنگ صبور را با تکیه بر نظریه‌ی دریدا، واسازی کنند. در خصوص نظریات گایاتری چاکراورتی اسپوآک نیز، حیدری و البرزی (۱۳۹۴) مقاله‌ای با نام «خوانش پسااستعماری همسایه‌ها در پرتو نظریات اسپوآک به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. در این مقاله، رمان همسایه‌ها، اثر احمد محمود با تکیه بر نظرات اسپوآک درباره‌ی فرودستان به عنوان متن پسا استعماری بررسی قرار گرفته است. در حوزه‌ی ادبیات خارجی، مقاله‌ای در خصوص نظریات گایاتری چاکراورتی اسپوآک و خوانش و اسازانه، بویژه به زبان فارسی نگاشته نشده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

بی‌شک، گام اول در تحلیل یک متن ادبی بر اساس نظریات یک تئورسین، آشنایی کامل با تفکرات او می‌باشد. به همین منظور، در این قسمت از پژوهش، به توضیح نظریات گایاتری اسپوآک می‌پردازیم.

۱-۲- نظریه‌ی واسازی و تفکر دریدا

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یکی از اندیشمندانی که به شکل‌گیری و پیشرفت نظریات اسپیواک کمک کرد، فیلسوف الجزایری ژاک دریدا (۱۹۳۰) بود. دریدا با به چالش کشیدن حقیقت ادعاهای فلسفه‌ی غربی، تأکید می‌کند که انسجام و پایداری مفاهیم در فلسفه‌ی سنتی به یک نظام تمایزی و تضادهای دوگانه وابسته است. (دریدا، ۱۹۷۶: ۲۳)^{۱۰} اولین نمود تأثیر نظریه‌ی واسازی دریدا را می‌توان در انتخاب سبک نوشتار اسپیواک دانست. سبک ثقیل نوشتار او در وهله‌ی اول بسیاری از خوانندگان را از مطالعه‌ی آثار او مأیوس می‌دارد. این نثر دشوار با اهداف سیاسی آثار او در تناقض است، هدفی که مبتنی بر فریاد کردن صدای مورد ظلم واقع شدگان جهان سومی است. طبق گفته‌ی فیلسوف آلمانی تنودور آدورنو^{۱۱}، اسپیواک این ادراک همگانی را که بهترین راه برای معرفی به حاشیه رانده‌شدگان، استفاده از زبانی ساده، واضح و گویاست، به چالش می‌کشد. (نقل از ژیلبرت و گویار، ۱۹۷۹: ۶۷)^{۱۲}؛ در واقع اسپیواک معتقد است که عکس این مطلب صحیح می‌باشد. نظامی که این مسائل را ساده و واضح بیان می‌کند، در واقع همان نظامی است که میل به کنترل و سلطه بر مردم دارد. او در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید:

«این روزها هنگامی که با این جمله مواجه می‌شوم: «فهمیدن کلام اسپیواک بسیار دشوار است» با خود می‌خندم و می‌گویم که باشد؛ فقط به خاطر شما جمله‌ای ساده می‌گویم. جمله‌ی من این است: بدانید که متون ساده شما را به راحتی فریب می‌دهند.»
(مورتون، ۲۰۰۳: ۳۷)^{۱۳}

زمانی که اسپیواک مقدمه‌ای مفصل بر کتاب *درباره‌ی گراماتولوژی دریدا* تحت عنوان «مقدمه‌ی مترجم» را اضافه کرد، دریدا هنوز چندان میان فیلسوفان و منتقدان انگلیسی زبان شناخته شده نبود. اسپیواک در این مقدمه به مانور کلامی-فلسفی‌ای اشاره می‌کند که آثار اولیه‌ی دریدا را فرا گرفته بود و او را در موقعیتی قرار می‌داد که فلسفه‌ی «واسازی» را در بافتی روشنفکرانه مطرح کند. اسپیواک در این مقدمه بحث‌های کلیدی و برجسته‌ی فلسفی قرن ۱۹ و ۲۰ را مطرح می‌کند، مانند: نقد حقیقت نزد نیچه^{۱۴}، نظریه‌ی حافظه و ضمیر ناخودآگاه نزد فروید^{۱۵}، پدیدارشناسی نزد هوسرل^{۱۶}، مارتین هایدگر^{۱۷} و نظریه‌ی

¹⁰ Derrida, J. (1976), *Of Grammatology*, trans. Gayatri Chakravorty Spivak, Baltimore: John Hopkins, p. 23.

¹¹ Theodor Adorno

¹² Gilbert, S. and Gubar, S. (1979), *The Madwoman in the Attic: The Woman Writer and the Nineteenth-Century Literary Imagination*, New Haven: Yale University Press, p. 67

¹³ Morton, Stephen (2003), *Gayatri Chakravorty Spivak*, London: Routledge, p. 37.

¹⁴ Friedrich Nietzsche

¹⁵ Sigmund Freud

¹⁶ Edmund Husserl

¹⁷ Martin Heidegger

هستی، امانویل لویناس^{۱۸} و بازنگری مسأله‌ی اخلاق، زبان‌شناسی ساختگرایی فردینان سوسور^{۱۹}، رولان بارت^{۲۰}، کلود لوی استروس^{۲۱}، روانکاوی ژاک لاکان^{۲۲} و تحلیل گفتمان فوکو^{۲۳}. با این کار اسپواک حدود اختیارات یک مترجم را زیر سوال برده و در مقدمه‌ی خود تحلیل مفصلی از فلسفه‌ی واسازی دریدا ارائه نموده، که با بسیاری از مباحث فلسفی مطرح شده درباره‌ی افکار دریدا برابری می‌کند. اسپواک در مصاحبه‌ی خود با الیزابت گروز^{۲۴}، چنین می‌گوید:

«وقتی برای اولین بار دریدا را خواندم نمی‌دانستم که او کیست؛ اما وقتی که متوجه شدم که او فلسفه‌ی سنتی را بیشتر از درون می‌کاود تا از بیرون، بسیار مجذوب او شدم. در آن زمان دوره‌ی تحصیلی خود در هند را سپری می‌کردم؛ جایی که نام قهرمان نظام فلسفی آن «انسان» بود. در آنجا به ما آموختند که اگر بتوانیم انسانیت را درونی کنیم یک انسان هستیم. وقتی که دیدم در فرانسه کسی به واکاوی این پرسش پرداخته است که «چه چیز از ما یک انسان می‌سازد؟» بسیار علاقه‌مند شدم که افکارش را بیشتر بدانم.» (دریدا، ۱۹۷۶: ۳۸)^{۲۵}

دریدا علاوه بر تفکر «واسازی گفتمان‌های استعماری»، مفهوم تمایز^{۲۶} را نیز معرفی می‌کند که به تفاوت‌ها و فاصله‌های معنایی اشاره دارد. اسپواک از این مفهوم برای تحلیل «بازنمایی و نمایندگی» استفاده کرده و نشان می‌دهد که چگونه زبان و گفتمان می‌تواند به بازتولید سلطه و سرکوب منجر شود. وی تأکید می‌کند که تلاش‌های روشنفکران غربی برای نمایندگی زیرسلطه‌ها^{۲۷} غالباً به تقویت همان ساختارهای قدرت می‌انجامد که قصد نقد آن را دارند. اسپواک در مقاله‌ی معروف خود با عنوان «آیا زیرسلطه‌ها می‌توانند صحبت کنند؟»^{۲۸} بیان می‌کند که صدای کسانی که در نظام‌های استعماری و پسااستعماری به حاشیه رانده شده‌اند، به ندرت شنیده می‌شود. زیرسلطه‌ها گروه‌های حاشیه‌ای و بی‌صدا هستند که در ساختارهای قدرت غالب قرار نمی‌گیرند. برای مثال در رمان *جین ایر*، برتا ماسون، زنی کریول که در تورنیلد هال محصور شده است، مفهوم زیرسلطه را مجسم می‌کند. شخصیت پردازی او مملو از مفهوم دیگری است که بازتاب کلیشه‌های استعماری رایج در بریتانیای دوره‌ی ویکتوریا است.

¹⁸ Emmanuel Levinas

¹⁹ Ferdinand de Saussure

²⁰ Roland Barthes

²¹ Claude Levi Strauss

²² Jacques Lacan

²³ Michel Foucault

²⁴ Elizabeth Grosz

²⁵ Derrida, J. (1976), *Of Grammatology*, trans. Gayatri Chakravorty Spivak, Baltimore: John Hopkins, p. 38.

²⁶ Différance

²⁷ Subaltern

²⁸ Can the Subaltern Speak?

به عقیده‌ی اسپواک، حتی تلاش برای صدا بخشیدن به زیرسلطه‌ها می‌تواند به تقویت هژمونی استعماری منجر شود.

۲-۲- اسپواک و واکاوی تفکر غرب

روش واسازانه‌ی دریدا بر روی روشنفکران پسااستعماری مانند هومبابا، یانگ^{۲۹} نیز بسیار مؤثر و کاربردی بوده است، اما توجه‌ای که اسپواک به دریدا مبذول می‌دارد تنها از نقطه‌نظری فلسفی نیست، بلکه با هدف واکاوی تفکر غربی است که به دنبال توجیه استعمارگری اروپایی می‌باشد. او از این راهبرد برای ایجاد تحلیل‌های انتقادی مؤثر درباره‌ی استعمار، مسأله‌ی زنان، اقتصاد جهانی معاصر و ایده‌ی مارکسیستی تقسیم کار بین کشورهای توسعه‌یافته و جهان سوم استفاده کرده است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از منتقدین به او لقب مارکسیست، فمینیست و ساختارشکن را داده‌اند. هر چند که او مخالف این نامگذاری است اما با سرسختی بسیار این مفاهیم را فقط در بافت جهان سوم درباره‌ی خودش می‌پذیرد.

برای مثال اسپواک بررسی خود درباره‌ی فرودستان و ناچیز انگاشته شدگان را با تأکید بر تجارب زنان فرودست گسترش بیشتری می‌بخشد. او با معرفی داستان پرداز بنگالی، ماهاتسوا دوی^{۳۰} (۱۹۲۶) و داستان او با عنوان *دایه*^{۳۱} به طرز بسیار چشمگیری سرگذشت زنان فرودست را در شخصیت زن داستان، جاشودا^{۳۲} می‌بیند. این داستان مبین انحطاط جسم مادرانه‌ی جاشودا است پس از اینکه به عنوان دایه در یک خانه‌ی برهمنی متمول استخدام می‌شود. (اسپواک، ۱۹۸۵: ۴۶)؛^{۳۳} نقدی که اسپواک بر فمینیسم غربی دارد این است که آن‌ها ادعا می‌کنند که به جای تمامی زنان دنیا صحبت می‌کنند؛ بدون آنکه تمایزات طبقات اجتماعی، مذهب، فرهنگ، زبان و ملیت آن‌ها را در نظر بگیرند.

به طور خلاصه او به دنبال اثبات این موضوع است که چگونه مفاهیمی مانند آزادی و حکومت مستقل در کشورهای توسعه‌یافته با توسل بر تحت فشار قرار دادن و به استعمار کشاندن «جهان سومی‌ها» محقق می‌گردد. اسپواک نشان می‌دهد که چگونه نظریه‌ی واسازی دریدا که در یک محیط متفکر غربی به وجود آمده به تاریخچه‌ی مقاومت ضداستعماری مربوط می‌گردد.

۳- تحلیل داده‌ها: خوانش واسازانه‌ی اسپواک از رمان *جین ایر*

بازنویسی آثار ادبیات کلاسیک غربی، به ویژه آن‌هایی که در بستر استعمار و امپریالیسم نوشته شده‌اند، یکی از شیوه‌های برجسته در نقد و اعتراض به نظام‌های استعماری بوده است. نویسندگانی که در

²⁹ Robert Young

³⁰ Mahasweta Devi

³¹ Breast Giver

³² Jashoda

³³ Spivak, G.C. (1985), *Three Women's Texts and a Critique of Imperialism* Source: Critical Inquiry, Vol. 12, No. 1, "Race," Writing, and Difference: The University of Chicago Press, p.46.

دوره‌ی استعمار یا پس از آن به بازنگری در متون غربی پرداخته‌اند، اغلب تلاش می‌کنند تا روایت‌های حاشیه‌ای و سرکوب‌شده را به متن بیاورند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نقد ایدئولوژی‌های استعماری بپردازند. این نوع ادبیات، که در زمره‌ی ادبیات پایداری قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده‌ی مقاومت و مبارزه‌ی فرهنگی مردم کشورهای مستعمره است که در مواجهه با تسلط غربی قرار گرفته‌اند. انگیزه‌ی بازنویسی متونی چون *طوفان*^{۳۴}، *رابینسون کروزوئه*^{۳۵} و *آرزوهای بزرگ*^{۳۶} درست مانند انگیزه‌ی ریس^{۳۷} برای باز نویسی *جین ایر*^{۳۸} اثر شارلوت برونته^{۳۹} است.

یکی از نمونه‌های برجسته‌ی این رویکرد، *دریای پهناور سارگاسو*^{۴۰} نسخه‌ی پسااستعماری رمان *جین ایر* است که در سال ۱۹۶۶ توسط نویسنده‌ی خانم دومینیکایی^{۴۱} تبار *جین ریس* نگاشته شد. این رمان به روایت سرگذشت آنتوانت کازوی^{۴۲} - یعنی همان برتا ماسون^{۴۳} در *جین ایر* - می‌پردازد.

همسر اول آقای روچستر^{۴۴} برتا ماسون، تجسم مهیبی از استعمار کارائیب^{۴۵} است. داستان درست بلافاصله پس از ریشه‌کن شدن برده‌داری اتفاق می‌افتد. دقیقاً در زمانی که روابط نژادی در کارائیب بسیار متشنج شده است. آنتوانت که فرزند یک برده‌دار می‌باشد، پس از مرگ پدر هم از جانب جماعت سیاهان طرد گشته و هم از جانب نیروی مسلط استعمارگر. به عنوان یک کریول^{۴۶} سفید او هیچ انگاشته می‌شود. این ناخالصی نژادی و مشکلات متعدد روحی او را به زوالی اجتناب‌ناپذیر می‌کشاند.

لازم به ذکر است، *جین ایر* رمانی بسیار شناخته شده است و نگارندگان قصد تکرار خلاصه‌ی آن در اینجا را ندارند چرا که بیشتر توجه خود را مبذول مفاهیم کلیدی داشته‌اند که در این رمان و رمان *دریای پهناور سارگاسو* به استعمارگرایی می‌پردازد.

۱-۳- شخصیت داستان از دو زاویه‌ی دید استعماری و ضداستعماری (واسازانه)

همانطور که گفته شد، داستان رمان *دریای پهناور سارگاسو* در اوایل قرن نوزدهم کمی پس از ریشه‌کن شدن برده‌داری در کشور جامائیکا^{۴۷} که در آن زمان تحت سلطه‌ی انگلستان بود، اتفاق می‌افتد.

³⁴ *The Tempest*

³⁵ *Robinson Crusoe*

³⁶ *Great Expectations*

³⁷ Jean Rhys

³⁸ *Jane Eyre*

³⁹ Charlotte Bronte

⁴⁰ *Wide Sargasso Sea*

⁴¹ Dominica

⁴² Antoinette Cosway

⁴³ Bertha Mason

⁴⁴ M. Rochester

⁴⁵ Caribbean

⁴⁶ Creole

کریول ترکیب زبان یک کشور استعمارگر با زبان‌های محلی است.

⁴⁷ Jamaica



آنتوانت که فرزند یکی از سفیدپوستان برده‌دار است، پس از مرگ پدر، با مادر و برادرش پیر و خدمتکارانشان زندگی می‌کند. در قسمت اول آنتوانت به روایتِ خاطراتِ تلخِ کودکی خود می‌پردازد: مانند به آتش کشیده شدن خانه‌شان توسط سیاهان که به مرگ برادر و جنون مادرش انجامید. قسمت دوم داستان هم از زبان آقای روچستر - که هیچگاه در این رمان از او با این نام یاد نمی‌شود- بیان می‌گردد. زندگی در محیطی متفاوت از انگلستان و ازدواج بدون عشق و به خاطر پول با آنتوانت، او را روز به روز سردتر می‌کند. از طرفی نامه‌ای که از دنیل کازوی^{۴۸} فرزند غیرقانونی پدر آنتوانت دریافت می‌کند، به بدگمانی او می‌افزاید. دنیل کازوی در این نامه از روی کینه و بدخواهی آنتوانت را زنی هرزه و دختر زنی دیوانه می‌نامد که جنون مادرش را به ارث برده است. آقای روچستر سه شب را در خانه آنتوانت با یکی از خدمتکاران او به نام آملی^{۴۹} می‌گذرانند. در این سه شب کریستوفین^{۵۰} دایه‌ی آنتوانت برای آرام کردن او به او مشروب قوی می‌خوراند و طی مشاجره‌ای با آقای روچستر به او می‌گوید که فقط به خاطر پول آنتوانت با او ازدواج کرده است. پس از آن آقای روچستر آنتوانت را با خود به انگلستان می‌برد. در قسمت آخر داستان که توسط آنتوانت روایت می‌شود، در اتاق زیر شیروانی خانه‌ی شوهرش حبس شده است و خدمتکاری به نام گریس پول^{۵۱} از او نگهداری می‌کند. یک شب وقتی که گریس از شدت مستی می‌افتد، کلیدها را بر می‌دارد و با در دست داشتن شمعی از اتاق خود می‌گریزد و داستان در اینجا خاتمه می‌یابد.

به نظر می‌رسد بروته در رمان *جین ایر* تحصیلات و پیشرفت قهرمان زن داستان که یک خانم انگلیسی سفید و جوان به نام جین ایر است را در فضای محدود خانگی قرن نوزدهم به تصویر می‌کشد و در همین حال برتا ماسون زن اول روچستر را توصیف می‌کند که از خانه‌اش در غرب هند به خانه‌ی انگلیسی روچسترها آمده و در آنجا محبوس گشته و دسترسی خود را به تمام امور انسانی از دست داده است. منتقدانی چون سندرا گیلبرت^{۵۲} و سوزان گوبار^{۵۳} معتقدند که برتا ماسون در واقع تجسم نیمه‌ی تاریک شخصیت «جین ایر» است. (گیلبرت و گوبار، ۱۹۷۹: ۳۴)؛ اما اسپواک بر این عقیده است که چنین خوانشی بافت امپریالیستی رمان را نادیده گرفته و جایگاه برتا را به عنوان یک «انسان» در متن انکار می‌کند. اسپواک بیان می‌کند که برتا ماسون شخصیتی است زاده‌ی یک امپریالیسم آشکار و شارلوت بروته این شخصیت را یک جامائیکایی کریول حیوانگونه می‌نماید. در *جین ایر* این امپریالیسم به مثابه‌ی مأموریتی تمدن‌یافته تلقی شده است که در آخرین بخش داستان به گونه‌ی یک رسالت مسیحی بیان

⁴⁸ Daniel Cosway

⁴⁹ Amelie

⁵⁰ Christophine

⁵¹ Grace Poole

⁵² Sandra Gilbert

⁵³ Susan Gubar

می‌شود و مُبلِّغ آن جان ریورس^{۵۴} مقدّس است که به جین پیشنهاد ازدواج می‌دهد و او را برای زیارت به هند می‌برد. توجیه ریورس برای این عمل که به گفته‌ی او مأموریتی متمدنانه بوده، چنین است:

«رسالت من چیست؟ هدف بزرگ من چیست؟ من امیدهای بسیار دارم که بسیار متفاوت از جاه‌طلبی این گروهی است که فقط خرد کردن و نابودی این نژاد را می‌خواهند. می‌خواهم به این خطّه‌ی جاهلیت دانش هدیه کنم و صلح را جایگزین جنگ، آزادی را جایگزین بردگی و مذهب را جایگزین خرافات کنم و نوید بهشت دهم، به جای اینکه از آتش دوزخ بترسانم.» (برونته، ۱۸۴۷: ۸۵)^{۵۵}

ریورس با توصیف فرهنگ هندی به عنوان قلمروی جاهلیت و جایی که ترس از دوزخ و خرافات حاکم است، مأموریت بزرگ خود را عملی اخلاقی توصیف می‌کند. همچنین اسپوآک بیان می‌کند که این قسمت متن نسبت به متن اصلی بسیار حاشیه‌ای، ولی مربوط به نظر می‌رسد و این روایت غیرمستقیم و این متن حاشیه‌ای کاملاً مبتنی بر امپریالیست و استعمار طلبی است.

در مقاله‌ی «سه نقد امپریالیستی از سه نویسنده‌ی زن» که اسپوآک در سال ۱۹۸۵ نوشت، به بررسی روایت پسا استعماری در رمان جین ریس می‌پردازد. ریس با نوشتن بخشی از داستان از زاویه‌ی دید برتا ماسون، روایت استعماری خانواده روچستر در جین / ایر را نقد می‌کند. برخلاف داستان جین / ایر، اتفاقات اصلی در *دریای پهناور سارگاسو* در زمان استعمار در جامائیکا می‌افتد. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که ریس به طور واضح باز نمود برتا ماسون را به عنوان یک شخصیت غولآسا و غیرانسانی در جین / ایر به چالش می‌کشد. تصویر برتا در جین ایر، به عنوان «دیوانه‌ای در اتاق زیر شیروانی»، بر این استدلال اسپوآک تأکید می‌کند که صدای زیر دست از طریق طبقه مسلط پخش می‌شود. جنون و حبس او فقط نشان‌دهنده‌ی مصائب شخصی‌اش نیست، بلکه نمادی از اضطراب‌های نژادی و استعماری است. از نگاه نویسنده، شخصیت برتا، نمایانگر تهدید و ناهنجاری است. این بازنمایی عملاً صدای واقعی او را خاموش می‌کند و با این ادعای اسپوآک همسو می‌شود که فرودست نمی‌تواند به طور کامل در گفتمان‌های استعماری صحبت کند. ریس در رمان خود نشان می‌دهد که چگونه یک کودک کریول سفید به نام آنتوانت به طرز خبیثانه‌ای توسط خانواده روچستر در بخش دوم داستان برتا ماسون لقب می‌گیرد. اسپوآک چنین می‌گوید:

«با تغییر نام آنتوانت به برتا در داستان *دریای پهناور سارگاسو*، ریس نشان می‌دهد که نزدیکترین چیز به فرد که همان هویت شخصی او می‌باشد، چگونه در بازی‌های سیاسی امپریالیستی قربانی می‌گردد.» (مورتون، ۲۰۰۳: ۱۸۴)

⁵⁴ St John Rivers

⁵⁵ Bronte, Charlotte (1847), *Jane Eyre*, London: Smith, Elder & Co, p. 85.

در جین‌ایر، برتا ماسون فردی شیطانی و دیو مانند است که تجسم سرکوب زن در یک محیط خانگی مردسالار است. در روایت برونته، او چهره‌ای سیاه و قرمز روشن دارد و به عنوان «زن سرخاب مال» معرفی می‌گردد. در دریای پهناور سارگاسو، آنتوانت شخصیتی دلسوز است که مرتب به یاد خاطرات بدی که از برده‌داری در جامائیکا دارد، می‌افتد و قربانی سوء استفاده‌های روحی و روانی خانواده روچستر می‌گردد. اسپوواک چنین اشاره می‌کند که بازنوشت ریس از شخصیت برتا به عنوان آنتوانت، انسانیت برتا را حفظ کرده و سلامت او را به منزله‌ی یک منتقد و معترض امپریالیسم تأیید می‌کند.

ریس این نقد امپریالیستی را به طور جدی در صحنه‌ای بیان می‌کند که از اتفاقات مربوط به تورنفیلد هال^{۵۶} باز می‌نویسد. در این قسمت آنتوانت تجارب خود را درباره‌ی سفر از غرب هند به انگلستان باز می‌گوید و اینکه وقتی برتا لقب می‌گیرد، چگونه هویت فرهنگی‌اش انکار می‌شود.

«وقتی که او دیگر مرا آنتوانت صدا نکرد، آنتوانت را دیدم که با بوی عطرش،

لباس‌های زیبایش و آینه‌اش از پنجره بیرون خزید.» (ریس، ۱۹۹۶: ۷۸)^{۵۷}

این تجربه‌ی عدم هویت فرهنگی آنتوانت در تورنفیلد هال تشدید می‌گردد:

«می‌گویند در انگلستانم ولی من باورشان نمی‌کنم ما راهمان را به انگلستان گم کردیم.

کی؟ کجا؟ به یاد نمی‌آورم [...] این خانه‌ی مقوایی که من شب‌ها در آن راه می‌روم

انگلستان نیست.» (همان، ۱۰۳)

به عقیده‌ی اسپوواک «عاملیت» فرودست به شدت توسط ساختارهای قدرت غالب محدود شده است. فقدان عاملیت برتا ماسون و روایت مجهول او در وابستگی کامل این شخصیت به روچستر برای تعریف هویت و اعمال او مشهود است. به بیان دیگر روایت ماسون تنها از دید استعماری روچستر قابل دریافت است. حبس او در اتاق زیر شیروانی و مرگ متعاقبش را می‌توان به عنوان نوعی به حاشیه‌راندن نهایی تعبیر کرد که بازتاب کنترل استعمارگر بر زندگی و روایت افراد مستعمره می‌باشد. روایت داستان از دید شخصیت دیگر داستان و داشتن زاویه‌ی دید متفاوت به مثابه‌ی تلاش واسازانه‌ای برای پر کردن سکوت‌ها و فاصله‌های درون متن است. بنابراین عمل نوشتن یکی از حربه‌های فرهنگی به شمار می‌رود. جین ریس حق راوی بودن را بین روچستر و آنتوانت تقسیم نموده است. آقای روچستر در این رمان به عنوان یک مرد قدرتمند شیطان صفت نشان داده نشده است، بلکه جوان متحجر و مغروری است که با تن دادن به ازدواجی بدون عشق خود را قربانی مسائل مادی خانواده می‌کند. او همیشه آنتوانت را به دلیل ملامت با سیاهان و توجه به آنان سرزنش می‌نمود. روچستر در جایی از داستان، آملی، خدمتکار سیاه‌خانه را اینگونه توصیف می‌کند:

⁵⁶ Thornfield Hall

⁵⁷ Rhys, J. (1996), *Wide Sargasso Sea*, London: Penguin.

«یک گرفتاری دیگر! پوستش تیره‌تر و لب‌هایش از آنچه تصور میکردم کلفت‌تر بود.»

(همان، ۸۹)

۲-۳- بازنمایی «دیگری» در رمان دریای پهناور سارگاسو

مفهوم «دیگری»^{۵۸} در رمان دریای پهناور سارگاسو نقش مهم و اساسی ایفا می‌کند. آنتوانت و خانواده‌ی کریولش که هم از جماعت سیاهان و هم سفیدپوستان مقیم در جزیره طرد شده‌اند، به مثابه‌ی «دیگری» تلقی می‌شوند که از هر دو طرف رانده شده‌اند و از لحاظ اجتماعی در انزوای کامل به سر می‌برند. جمله‌هایی که به گونه‌های متفاوت مبین این مفهوم هستند، بسیار در متن یافت می‌شوند.

«یکه و تنها شدیم.» (همان، ۶۷) «رها شدیم، بدون هیچ کمکی.» (همان، ۸۳)

در جین / ایر، برتا ماسون به عنوان زنی با پیشینه‌ی کریول و نژادی مخلوط، نمادی از «دیگری» است که توسط جامعه‌ی سفیدپوست انگلیسی نادیده گرفته می‌شود. او در این رمان به طور کلی به عنوان یک انسان غیرقابل کنترل و حیوان‌گونه معرفی می‌شود، و این تصویر به مثابه توجیهی برای سرکوب و حذف او عمل می‌کند. اسپواک با اشاره به این که برتا ماسون در واقع قربانی سیاست‌های امپریالیستی است، این نوع بازنمایی را نقد می‌کند و بر لزوم بازنگری در جایگاه او به عنوان یک انسان تأکید دارد.

در مقابل، ریس با نگارش دریای پهناور سارگاسو، برتا را از این قالب غیرانسانی خارج کرده و او را به عنوان شخصیتی با احساسات و تجربیات انسانی معرفی می‌کند. این رمان، با استفاده از زاویه‌ی دید آنتوانت، نشان می‌دهد که چگونه استعمار و سلطه‌ی نژادی می‌تواند فردیت و هویت شخصی افراد را نابود کند. آنتوانت، که به دلیل پیشینه‌ی نژادی و اجتماعی‌اش همواره در حاشیه قرار دارد، در نهایت تحت تأثیر فشارهای روانی و اجتماعی به همان سرنوشت تراژیک می‌رسد که در جین / ایر برای برتا ماسون تصویر شده بود.

آنتوانت برای رهایی از این «دیگری بودگی» تن به ازدواج با روچستر می‌دهد؛ بی‌خبر از آنکه برای یک جوان اروپایی او یک «دیگری» دیگر است. این شخصیت که در تلاش است از طریق ازدواج با روچستر به نوعی از «دیگری» بودن خود رهایی یابد، در نهایت به دلیل همین ازدواج و سلطه‌ی استعماری همسرش به کلی هویت خود را از دست می‌دهد. نام او از آنتوانت به برتا تغییر می‌کند، و این تغییر نام نمادی از تبدیل شدن او به «دیگری» در چشم روچستر و جامعه‌ی انگلیسی است. این تغییر نام، همان‌طور که اسپواک اشاره می‌کند، نشان‌دهنده‌ی این است که چگونه امپریالیسم حتی نزدیک‌ترین و شخصی‌ترین ابعاد هویت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را به ابزارهای سیاسی تبدیل می‌کند.

ریس در واقع بیان می‌دارد که این طبقه‌بندی نژادی و اجتماعی از کودکی بر شخصیت داستان تأثیر داشته و تصاحب‌کننده و تصاحب‌شده را با هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال در جایی تیا^{۵۹} (دوست سیاه دوران کودکی آنتوانت) می‌گوید:

«سفیدپوست‌های جامائیکا در واقع چیزی جز سوسک‌های سفید کاکاسیاه نیستند و

کاکاسیاه‌ها خیلی بهتر از این سفید پوستهای کاکاسیاه‌اند.» (همان، ۱۵)

تمامی این تخریب‌های نژادی و شخصیتی در طی دوره‌ی استعمار اتفاق می‌افتد که صدایش پس از گذراندن آن به گوش می‌رسد یعنی در واقع در یک دوره‌ی پسااستعماری است که بیشتر حرف‌ها به قلم در می‌آیند.

از طرفی شایان ذکر است که در قسمت‌هایی از رمان جین/یر، تجارب جین به عنوان زنی با موقعیت اجتماعی پایین‌تر با تجربیات برتا به‌عنوان یک سوژه‌ی استعماری که از نظر نژادی متفاوت است، تلاقی دارد، اما متمایز از آن است چرا که مبارزات جین در چارچوب‌های جنسیتی و طبقاتی قرار می‌گیرد، اما تجارب تلخ برتا با ستم نژادی و استعماری ترکیب می‌شود. این رویکرد، محدودیت‌های روایت جین را در پرداختن به قدرت استعماری نشان می‌دهد و از او راوی مناسب و آگاهی برای توصیف شخصیت برتا نمی‌سازد. به بیان دیگر، دغدغه‌های جین در بافت امپریالیستی شکل می‌گیرد و هر چند گاهی با مفاهیمی چون تبعیض نژادی، طبقاتی و غیره، که در بافت استعماری نیز حضور دارند، همسو می‌شود، اما هیچ‌گاه با دغدغه‌ها و مشکلات برتا در یک جایگاه قرار نگرفته و متجانس جلوه نمی‌کنند.

در آخر، توانمندی و خودشکوفایی نهایی جین/یر را نیز می‌توان حاصل همین ساختارهای استعماری دانست. نقد اسپوآک حاکی از آن است که موفقیت جین نه با از بین بردن این ساختارها، بلکه با هدایت و در نهایت بهره‌مندی از آن‌ها به دست می‌آید. موقعیت نهایی او در روایت - بازپس‌گیری استقلال خود و ازدواج با روچستر - سیستم‌های استعماری گسترده‌تر را به چالش نمی‌کشد، بلکه موقعیت شخصیت را در درون آنها تثبیت می‌کند و به مثابه بستری مناسب برای رشد افرادی که در بافت استعمارگر قرار می‌گیرند، جلوه می‌کند.

۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به معرفی نظریه‌پرداز پسااستعماری گایاتری چاکراورتی اسپوآک پرداختیم و درباره‌ی خوانش او از فلسفه‌ی واسازی دریدا بحث کردیم و متذکر شدیم که این بررسی به این منظور نیست که اسپوآک را خواننده‌ی دریدا نشان دهیم. تحقیقاتی که او بر روی دریدا انجام داده است فقط به ترجمه‌ی درباره‌ی گراماتولوژی و نوشتن مقدمه‌ای بر آن خلاصه نمی‌شود. او در معرفی و بازنمود افکار

⁵⁹ Tia

دریدا به انگلیسی‌زبانان نقش مهم و حیاتی ایفا نمود، اما آنچه در این مقاله بدان پرداخته شد این است که اسپواک تفکر و سازانه‌ی دریدا را که بر طبق چارچوب فلسفه‌ی غربی است، با مطالعات ادبی پسااستعماری خود بر روی جهان سوم، مطابقت داده است.

گفتیم که نقد ادبی اسپواک بر روی خوانش متون ادبی مربوط به استعمارگرایی بسیار تأثیرگذار بوده است. او معتقد است که تولید متون ادبی در قرن بیستم با روح امپریالیستی گره خورده است و ادبیات انگلیس در آن زمان بازنمودی از انگلستان به عنوان یک کشور متمدن و پیشرفته ارائه می‌دهد که بدین وسیله اهداف سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را توجیه می‌کند.

سپس با استفاده از نظریات او به خوانش و سازانه و تحلیل یکی از متون امپریالیستی مشهور قرن نوزدهم انگلیس به نام جین/ایر اثر شارلوت برونته و نسخه‌ی پسا استعماری آن *دریای پهناور سارگاسو* اثر جین ریس پرداختیم. اسپواک بیان می‌کند که برتا ماسون در جین/ایر شخصیتی است که زاده‌ی یک امپریالیسم آشکار است و شارلوت برونته این شخصیت را یک جامائیکایی حیوان‌گونه نشان داده است. اما ریس با بازنویسی روایت برونته و افشای این ایدئولوژی استعماری، او را زنی می‌نماید که رفتار و نگاه شوهر سرکوبگرش او را به رفتاری خشونت‌آمیز می‌کشد.

دیدیم که ریس برای روایت داستان از تلاقی و آمیزش زوایای دید مختلف استفاده کرده است و بدین وسیله به راحتی تقابل مفاهیم «خود» و «دیگری» را می‌نماید که در جین/ایر به بارزترین شکل خود می‌رسد. در اینگونه رمان‌هایی که در دوره‌ی استعمار نگاشته شده‌اند، استعمارگران خود را «خود» یعنی انسان متمدن و تکامل یافته و بومیان کشورهای تحت استعمار را «دیگری» وحشی قلمداد می‌کنند. کشورهای تحت استعمار نیز ادبیات را خاستگاهی برای بروز استقامت و پایداری خود در برابر استعمار قرار می‌دهند و به بازنویسی و تغییر زاویه‌ی دید آثار غربی می‌پردازند. در این مقاله با بیان مثال‌های مختلف از رمان *دریای پهناور سارگاسو* مانند نوع نگاه آقای روچستر به «دیگری» سیاهپوست و یا تحت استعمار این مفاهیم را مورد بررسی قرار دادیم و دیدیم که چگونه این طبقه بندی نژادی به تخریب‌های شخصیتی منجر می‌گردد که اثرات آن در یک دوره‌ی پسا استعماری نمود پیدا می‌کنند.

نقد اسپواک فقط به ادبیات انگلیسی قرن نوزدهم و بافت تاریخی امپریالیسم مربوط نمی‌گردد، اما به دلیل آنکه از قدرت لفظی و سیاسی متون ادبی پسا استعماری به خوبی برای زیر سوال بردن و به چالش کشیدن قدرت روایت‌های برجسته‌ی استعماری استفاده می‌کند، نام او همیشه در کنار نقد پسااستعماری می‌آید.



Reference

- Bronte, C. (1847). *Jane Eyre*. Smith, Elder & Co.
- Derrida, J. (1976). *Of grammatology* (G. C. Spivak, Trans.). John Hopkins.
- Gilbert, S. M., & Gubar, S. (1979). *The madwoman in the attic: The woman writer and the nineteenth-century literary imagination*. Yale University Press.
- Morton, S. (2003). *Gayatri Chakravorty Spivak*. Routledge.
- Rhys, J. (1996). *Wide Sargasso Sea*. Penguin.
- Spivak, G. C. (1985). Three women's texts and a critique of imperialism. *Critical Inquiry*, 12(1), 243-261. <https://doi.org/10.1086/448318>
- Spivak, G. C. (1986). Imperialism and sexual difference. *Oxford Literary Review*, 8(1-2), 225-251.
- Spivak, G. C. (1988). Can the subaltern speak? *Die Philosophin*, 14(27), 42-58. <https://doi.org/10.5840/philosophin200314275>
- Spivak, G. C. (1996). *The Spivak reader* (D. Landry & G. Maclean, Eds.). Routledge.
- Spivak, G. C. (1999). *A critique of postcolonial reason: Toward a history of the vanishing present*. Harvard University Press.